

همایش «جان راولز، فیلسوف عدالت» برگزار شد

همایش «جان راولز، فیلسوف عدالت» از سوی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در تالار فردوسی این دانشکده برگزار شد.

سیدعلی محمودی در این مراسم گفت: راولز در سال ۱۹۲۱ متولد شد و در سال ۲۰۰۲ درگذشت. کتاب «نظریه عدالت» مهم‌ترین اثر او در سال ۱۹۷۱ انتشار یافت. این اثر به‌لحاظ طرح موضوع عدالت در فضای لیبرال دموکراتیک و درافکندن بحث‌های نو در زمینه فلسفه سیاسی در جهان، کتاب مهمی تلقی شد و بهترین اثر در فلسفه سیاسی قرن بیستم نام گرفت. وی گفت: تاکنون بیش از پنج هزار کتاب و مقاله درباره نظریه عدالت در جهان منتشر شده که این حجم مباحثه درباره یک مسأله بی‌نظیر بوده است. تنها در آمریکا ۲۰۰ هزار نسخه از کتاب «نظریه عدالت» به فروش رفته است. این کتاب تا به حال به ۲۵ زبان دنیا ترجمه شده و در دانشگاه‌های معتبر جزو متن‌های درسی قرار گرفته است.

محمودی ادامه داد: زندگی فلسفی راولز را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد؛ راولز متقدم در نظریه درباره عدالت و راولز متاخر که در فاصله ۱۰ سال (از ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۲)، تغییرها و بازنگری‌هایی را در نظریه خود انجام داد. راولز دوم یک لیبرال سیاسی است و در کتاب «لیبرالیسم سیاسی» تمام این بازنگری‌های را آورده و در این زمان «قانون ملت‌ها» را نیز منتشر می‌کند. وی درباره تئوری راولز گفت: وی فرض می‌کند افراد آزاد و برابر و خردمند در پشت حجاب تجاهل در موقعیت اولیه قرار می‌گیرند، بی‌نظر می‌شوند، از منافع فردی فاصله می‌گیرند و اصول عدالت را برمی‌گزینند.

محمودی در توضیح برخی جنبه‌های آزادی و عدالت راولز گفت: آزادی‌های اساسی در کتاب وی به بخش‌های آزادی عموم، حق رای برای دستیابی به مقامات، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی شخصی، حق نگهداری دارایی شخصی، آزادی از دست‌گیری تحکمی و خودسرانه تقسیم می‌شود و هرچه آزادی گسترده‌تر باشد، مرجح‌تر است. در اصل دوم عدالت هم می‌گوید نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید به گونه‌ای تقسیم شود که بیش‌ترین مزیت به نفع محرومان جامعه برابر با اصل عادلانه صرفه‌جویی را دارا باشند و دسترسی به مقامات برای همه امکان‌پذیر باشد.

در ادامه عزت‌الله فولادوند گفت: در کشور ما لیبرالیسم تحت تاثیر بدفهمی‌ها و سوءاستفاده‌ها به دشنام تبدیل شده، در صورتی که مفهوم آن در فرهنگ غرب سابقه‌دار و جایگاه آن مستحکم است و ۳۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد و در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بعد از فروپاشی شوروری سابق پررونق‌ترین بازار فکری است.

وی گفت: معمولاً آزادی، تساهل، حقوق فردی، دموکراسی و حکومت قانون، به لیبرالیسم سیاسی نسبت داده می‌شود. آن‌ها دو نظر را رد می‌کنند؛ فرهنگ و جامعه و دولت، جدا از فرد، فی‌نفسه باید محدود شوند، و دیگر آن‌که هدف سازمان‌های سیاسی و اجتماعی به کمال رساندن سرشت انسان باشد.

او ادامه داد: لیبرالیسم سیاسی این است که محور در سیاست عملی دموکراسی، حکومت قانون، آزادی سیاسی و بیان تساهل در امور اخلاقی و دینی و طرح زندگی و مخالفت با هرگونه تبعیض و احترام به حقوق فردی است. برخی از آن‌ها معتقدند که دولت باید کوچک باشد و به حداقل برسد و در امور دخالت نکند و برخی دیگر دخالت دولت را برای فراهم ساختن زمینه به منظور دسترسی به خواست‌های فردی، لازم می‌دانند.

وی گفت: آن‌ها به همه افراد خردمند و دارای توانمندی لازم برای متشکل شدن در مکان‌های غیردولتی برای منافع اجتماعی و اقتصادی یا اظهار نظر حق می‌دهند. به عقیده لیبرال‌ها، این کار از دیکتاتوری اکثریت بر اقلیت جلوگیری می‌کند. آن‌ها معتقدند که حکومت اکثریت، استبداد اکثریت بر اقلیت است؛ حتی اگر آن اقلیت یک نفر باشد، و این دموکراسی نیست. رای و استبداد اکثریت، حکومت را به تجاوز به حقوق اقلیت مکلف می‌کند و زورگویی حکومت و زورگویی اکثریت فرقی با هم ندارد.

فولادوند در ادامه درباره انواع لیبرالیسم گفت: لیبرالیسم کلاسیک قرن نوزدهم معتقد بود که آزادی فقط نبود مانع خارجی است و در اوایل قرن بیستم می‌گفت، این کافی نیست؛ ممکن است مانعی در کار نباشد؛ اما در عین حال امکانات برای رسیدن به آزادی فراهم نباشد. لیبرال‌های راست منفی بیشتر به آزادی تکیه دارند و می‌خواهند ملاحظات دولت به حداقل برسد و لیبرال‌های چپ یا مثبت یا رفاه‌گستر به سوسیال دموکراسی و برابری نزدیک می‌شوند. به لیبرالی که فقط به آزادی معتقد است و به مالیات بر درآمد اعتقادی ندارد، محافظه‌کار می‌گویند، اما در اروپا به این افراد لیبرال خطاب می‌شود.

وی در پایان گفت: لیبرال در فلسفه فردگرایی در زمینه ارزش‌ها، آزادی در گزینش هدف و اداره زندگی، پرورش فرد به وسیله دولت برای رسیدن به آزادی و آزادی عقل فردی است و باید توجه داشت که لیبرالیسم به معنای اصلاح‌طلبی است و نه انقلابی بودن، و می‌خواهد وضع جدیدی به وجود آورد که افراد بتوانند درباره هدف‌ها و مطالبه‌هایشان به سازش برسند و با هم در صلح و مدارا زندگی کنند و سعادتشان به دست خودشان باشد.

به گزارش ایسنا، در ادامه، غلامرضا اعوانی - رییس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه - درباره برخی پیش‌فرض‌های فلسفی نظریه عدالت راولز صحبت کرد.

وی اشاره کرد: عدالت، مهم‌ترین مسأله بشری است و از دیرباز مورد توجه فلاسفه بوده است. جان راولز، فیلسوف عدالت است و از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است. دانشگاه هاروارد ۲۷ مقاله را که او در طول سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۹ نوشته و نشان‌دهنده سیر فکری و شرح و بسط مفاهیم کلیدی راولز است، منتشر کرده است.

اعوانی افزود: عدالت از نظر راولز کمال فضیلت است و جنبه فردی و اجتماعی دارد.

در ادامه این همایش، احمد واعظی درباره رویکرد هرمنوتیکی راولز به عدالت، علیرضا بهشتی درباره گستره شمول قانون ملل جان راولز و مصطفی یونسی درباره بررسی تطبیقی آرای افلاطون و جان راولز سخن گفتند.

هم‌چنین ازسوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، غلامرضا اعوانی، خشایار دیهیمی و مصطفی ملکیان، از عزت‌الله فولادوند - مترجم، پژوهشگر، اندیشمند و استاد دانشگاه - تقدیر کردند.

ویژه‌نامه همایش «فیلسوف عدالت» در بررسی و نقد احوال و آثار و آرای جان راولز نیز به‌همت برگزارکنندگان و با هم‌کاری فرهنگستان علوم منتشر شد.